

The Group-Based Understanding of the Government in United States (with Emphasis on Bentley's Theory)

Alireza Koohkan*

Associate Professor, Department of International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

The dynamic and changing politics of the United States have been focus of political researchers since the beginning of this country. Due to its new construction, the US did not benefit from the requirements of the old countries, hence, the way of its political action was different. Since the U.S. gained power in the world arena, how government policy is formed in the United States became important for the researchers of international relations. The opinions of prominent scholars show that one of the defensible theories in the political construction of the United States is based on the prominent role of groups in this field. Different groups or more precisely "interest groups" shape and manage all the elements of this policy. These groups are also responsible for the change of the political structure and the direction of internal and external policies. Attributing such importance to interest groups makes it necessary to explain the importance and the function of these groups in policy making in the United States. This issue forms the main structure of this article. Therefore, the main question of this article is why interest groups are important in the political construction of the American government. The current research tries to answer this question based on opinions of "Arthur Bentley". For this reason, the present article has a theoretical approach and answers a fundamental question in the field of political construction. The correct understanding of internal dynamism of politics in United States is based on correct understanding of this issue, and it is necessary to understand this process in order to change the internal policy of United States. Bentley's main book called "The Process of Government" was written in the early 20th century. Bentley systematically theorized groups and trends from a political perspective for the first time. Interest groups are deeply rooted in both conflict and compromise over political decisions as well as historical changes in political systems. In order to answer the main question of this article, the materials have been categorized using the qualitative method, comparative research strategy and gathering data from documents and libraries. For this purpose, after a brief explanation about Bentley and his most important book, his views on the importance of interest groups in the political system of the United States are explained. At the end, the criticisms towards this perspective

* Koohkan@atu.ac.ir


How to Cite: Koohkan, A. (2022). Group-based Understanding of Government in the United States. *State Studies*, 8(32)

will be explained and the result of this theoretical research will be presented. Research findings show that interest groups act as a link between interests and decision makers. Studies of the policy process show that interest groups often play a central role in setting the government's agenda, options, influencing decisions, and directing the executive branch. In this regard, both the official structures and the informal structures of American politics provide a suitable base for influence groups. One of the features of the American system that increases their influence is the relative weakness of the political parties of the United States, which partly stems from the principle of separation of powers. A second feature of this system that encourages interest groups is the decentralization of political power to states and municipalities, known as a federal system or "federalism." Citizens' associations often begin at local levels in the states and later merge into national organizations. Therefore, decentralization leads to greater diversity and encourages interest groups. As a result, research shows that interest groups, in addition to influencing policy outcomes through direct lobbying, influence political attitudes and behaviors in various ways. Interest groups often respond directly to candidates, policies, or specific initiatives. In other words, while influencing political policies and decisions, interest groups influence the formation of votes and political behaviors of parties and political leaders and react to them.

The result of Bentley's theory in foreign policy is interesting. People become politically important only when they are members of a group, and groups become important when they perform activities. But political life is very complicated: There is no man who only is a member of one interest group, and there is no interest group that operates separately from other groups. The alliance between the groups is also very fragile and unstable. No part of the government in the real world of politics is immune from the pressure of different groups and this includes the judicial system and courts. Therefore, according to Bentley, liberal ideas that seek to create departments to pursue public interests and away from the pressure of large and powerful groups are doomed to failure.

Keywords: Interest Groups, Politics, United States, Interests, Bentley's theory

فهم گروه بنیان از دولت در ایالات متحده (با تاکید بر نظریه بنتلی)

علیرضا کوهکن *  * دانشیار روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

هر جامعه مجموعه‌ای از گروه‌های متعدد با منافع متفاوت و گاه متضاد است که حرکت آن‌ها و جمع جبری تمایلاتشان باعث جهت دهی به دولت می‌شود. توضیح ساخت دولت ایالات متحده بر پایه گروه‌های نفوذ، یکی از مسائل بنیادی در شناخت نحوه عملکرد نظام سیاسی این کشور است و برای مداخله در تصمیم‌سازی و تغییر نگرش‌های عملیاتی آن ضروری است. از همین رو سؤال اصلی این نوشتار، چرایی اهمیت گروه‌های نفوذ در ساخت سیاسی دولت آمریکا است. این نوشتار، چرایی اهمیت گروه را بر اساس نظریه «آرتور بنتلی» با روش کیفی به شیوه علی و راهبرد پژوهش قیاسی توضیح می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد گروه‌های ذی‌نفوذ مهم‌ترین واحد در تحلیل امور و روند سیاسی هستند. کنش گروهی در روابط میان گروه‌ها، روندی دائماً متغیر و دینامیک است که در آن نیروهای اجتماعی برای فشار آوردن به دولت برای اجرای خواسته‌هایشان تلاش می‌کنند. هیچ بخشی از حکومت در عرصه واقعی سیاست مصون از فشار گروه‌های مختلف نیست و این امر شامل دستگاه قضایی و دادگاه‌ها نیز می‌شود. از این رو، با داشتن درک صحیح از چگونگی عملکرد گروه‌های ذی‌نفوذ می‌توان نحوه اداره جامعه و ساخت سیاست را در ایالات متحده درک کرد که شامل سیاست خارجی نیز می‌شود.

واژگان کلیدی: گروه‌های ذی‌نفوذ، سیاست، ایالات متحده، منافع، نظریه بنتلی

مقدمه

چگونگی کنش سیاست پویا و متحول ایالات متحده از ابتدا مورد توجه پژوهشگران مسائل سیاسی بود. این کشور به دلیل ساخت نوپای خود از الزامات کشورهای قدیمی بی‌بهره بود و به همین دلیل نحوه کنش سیاسی در آن متفاوت می‌نمود. از زمان قدرت یافتن آمریکا در عرصه جهانی، این اهمیت برای پژوهشگران عرصه بین‌المللی نیز ایجاد شد که سیاست ایالات متحده چگونه شکل می‌گیرد. نظرات دانشمندان برجسته نشان می‌دهد که یکی از تئوری‌های قابل دفاع در ساخت سیاسی ایالات متحده مبتنی بر نقش پررنگ گروه‌ها در این عرصه است (کوهکن، ۱۳۸۹). گروه‌های مختلف یا به عبارت دقیق‌تر، «گروه‌های نفوذ»^۱ همه ارکان این سیاست را شکل داده و مدیریت می‌کنند. تغییری ساختار سیاسی و مسیر حرکت سیاست‌های داخلی و خارجی نیز با همین گروه‌هاست. در حقیقت، ساختار و عملکرد نهادهای سیاسی در یک کشور، تأثیر عمیقی بر توسعه گروه‌های نفوذی دارد که برای اثرگذاری بر آن نهادها طراحی شده‌اند. بنابراین گروه‌های نفوذ، دارای منافع سیاسی خاصی هستند که باهدف تأثیرگذاری بر قوانین و سیاست‌های دولت سازمان‌دهی می‌شوند و تلاش می‌کنند تا مقامات سیاسی، قوانینی را تصویب کنند که با منافع گروه‌های نفوذ سازگاری داشته باشد؛ به همین دلیل گاهی از آن‌ها به‌عنوان «گروه‌های مدافع»^۲ نیز نام‌برده می‌شود. قائل شدن به چنین اهمیتی برای گروه‌های نفوذ، ضروری می‌سازد تا چرایی این اهمیت و کارکرد این گروه‌ها در ساخت سیاست در ایالات متحده توضیح داده شود. این موضوع، ساخت اصلی این نوشتار را شکل می‌دهد. درک صحیح دینامیسم داخلی سیاست در ایالات متحده موقوف بر شناخت صحیح از این موضوع است و برای تغییر سیاست داخلی آمریکا، شناخت این روند ضروری می‌نماید. اهمیت کار اصلی «بتلی» در اوایل قرن بیستم از همینجا پدیدار می‌شود. کتاب «روند سیاست» وی به معنای واقعی کلمه مبدأ آغاز سه جریان بود که عبارت‌اند از: نظریه گروه و کثرت‌گرایی، مطالعه فرآیند سیاسی و نظام‌های سیاسی و تحلیل سیاسی کمی پوزیتیویستی و علم رفتاری سیاست. بتلی برای اولین بار به‌طور نظام‌مند از منظر سیاسی، گروه‌ها و روندها را نظریه‌پردازی کرد. او همچنین برای اولین بار سؤالاتی را مطرح کرد؛ از جمله این که چگونه سیاست، تصمیم‌گیری سیاسی و اجرای

1. Interest Groups
2. Advocacy Groups

تصمیمات سیاسی به گروه‌ها وابسته است، بازیگران در فرآیندهایی که با نهادهای رسمی در تضاد هستند، چگونه هستند و چگونه دموکراسی در عصر سلطه گروهی امکان‌پذیر است. گروه‌های ذی‌نفع هم بر اساس درگیری و مصالحه بر سر تصمیم‌های سیاسی و هم برای تغییرات تاریخی نظام‌های سیاسی ریشه‌های عمیقی دارند. بنابراین تقریباً اکثریت کارشناسان علم سیاست درصدد بررسی اهمیت آن برآمده‌اند (Tsujioka, 2010: 28). همچنین در همین زمینه، «سارا آنزیا»^۱ در مقاله «به دنبال نفوذ در همه مکان‌های اشتباه: چگونه با مطالعه سیاست‌های داخلی می‌توان تحقیقات گروه‌های نفوذ را احیا کند؟»^۲ (۲۰۱۹) مطرح می‌کند که مطالعه تأثیر گروه‌ها در رابطه با دولت‌های فدرال، تصویر بهتری از میزان تأثیر واقعی گروه‌های نفوذ ارائه می‌دهد. از همین رو سؤال اصلی این نوشتار، چرایی اهمیت گروه‌های نفوذ در ساخت سیاسی دولت آمریکاست و پژوهش حاضر تلاش دارد تا به این سؤال بر اساس نظرات «آرتور بنتلی» با استفاده از روش کیفی، شیوه‌علی و راهبرد پژوهش قیاسی پاسخ دهد. به همین جهت، مطلب حاضر شکل نظری دارد و به سؤالی بنیادی در عرصه ساخت سیاسی پاسخ می‌دهد. به‌منظور پاسخ به سؤال اصلی نوشتار، پس از توضیح کوتاهی درباره بنتلی و مهم‌ترین کتابی که در آن نظراتش را درباره گروه‌های نفوذ مطرح کرده، دیدگاه‌های او درباره چرایی اهمیت گروه‌های ذی‌نفع در نظام سیاسی ایالات متحده توضیح داده می‌شود. در انتها نیز انتقادات وارد بر این نوع نگاه به ساخت سیاسی ایالات متحده بررسی شده و نتیجه این کنکاش نظری ارائه خواهد شد.

نظریه گروه‌های نفوذ و آرتور بنتلی

نظریه گروه‌های ذی‌نفع به‌طور چشمگیری توسط اندیشمندانی همچون «بنتلی»، «اولسون»، «پلتزمن»، «بکر»، «ویلسون»، «گروسمن» و «هلیمن» توسعه و تکامل یافته است. «آرتور اف. بنتلی»^۳ یکی از بنیان‌گذاران علوم سیاسی مدرن در جامعه آمریکا است و از

1 Sarah Anzia

2 Also See: Sarah F. Anzia (2019), Looking for Influence in All the Wrong Places: How Studying Subnational Policy Can Revive Research on Interest Groups, *The Journal of Politics*, 81 (1), January 2019

۳. آرتور بنتلی (Arthur F. Bentley) (۱۹۵۷-۱۸۷۰ میلادی) مدارج دانشگاهی را در دانشگاه «جان هاپکینز» طی کرد و در سال ۱۸۹۵ موفق به اخذ مدرک دکتری گردید. بنتلی در رشته‌هایی مانند سیاست، فلسفه و حقوق دارای نظر و تالیفاتی است. مهم‌ترین اثر او کتاب «روند حکومت» است که در سال ۱۹۰۸ به رشته تحریر در آورد و از نخستین آثار

نخستین دانشمندان رفتارگرا در ایالات متحده محسوب می‌شود. نخستین تئوری منسجم درباره گروه و نقش، اهمیت و جایگاه آن در آمریکا مبتنی بر پایه‌های علمی پوزیتیویستی، توسط او ارائه شده است. بنتلی به علوم سیاسی سنتی بی‌علاقه و به دنبال شیوه‌های جدید برای تبیین پدیده‌های سیاسی بود. او به عمل و رفتار سیاسی بیش از نگرش ذهنی اهمیت می‌داد و این برداشت در حقیقت شروع نگرش جدیدی را در علم سیاست نوید می‌داد (Truman, 1958: 21). از نظر او، یک گروه، راهی برای رفتار سیاسی است که در آن عده زیادی مشارکت دارند. قوانین و حتی دولت نیز در نگرش او یک کنش سیاسی به حساب می‌آیند. او با تمایز سنتی میان دولت و حکومت و حتی میان قانون و حکومت مخالف بود. از نظر او مفهوم یک دولت مداوم در ورای حکومت جاری در مرزهای سرزمینی فقط در ذهن وجود داشته و باعث تحلیل‌های نادرست می‌شود. (Bentley, 1908: 299) حاکمیت نیز در بهترین حالت، چارچوبی مشروعیت‌زا یا تئوریک برای توجیه رفتارهای گذشته یا حال دولت‌هاست. او منکر تأثیرپذیری رفتار اجتماعی از مسائل ذهنی موجود در فضای تفکر دانشمندان علوم سیاسی بود و بر توجه جدی به خود رفتار اجتماعی تأکید داشت (Bentley, 1908: 177-185). راهبرد تحقیقاتی او در مسائل سیاسی، جمع‌آوری اطلاعات خارجی، توجه به رفتارها و بهره‌گیری از تجربه‌های عینی بود و بیش از همه به رفتار گروهی توجه داشت. او به شیوه‌ای تکاملی اعتقاد داشت و می‌پنداشت که دانش اندک‌اندک جمع شده و هر کار جدیدی در حقیقت با استفاده از تجربه‌ها و دستاوردهای قبلی است. این امر حتی در مورد تئوری دانش نیز صادق بوده و ابزار تحقیق نیز باید بر معرفت‌شناسی دانشمند استوار باشد (Bentley, 1908: 162-164). «جان دوی»^۱ و بنتلی در مجموعه مقالاتی که در سال ۱۹۶۰ با عنوان «دانش و دانش»^۲ منتشر کردند، از نوعی تبادل به‌عنوان میانه تحلیل یاد کردند. این تبادل میان نظام توصیف و نام‌گذاری و جنبه عملی رفتار اجتماعی صورت می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۸۰). این تبادل از نظر آن‌ها کلید درک در علوم رفتاری است. بنتلی از نظریه پردازان تکثرگرایی در جامعه سیاسی آمریکاست. او معتقد بود هر منفعتی، باعث شکل‌گیری گروهی می‌شود که به دنبال کسب آن منفعت هستند و این گروه‌ها نقش

علمی نگاشته شده در خصوص گروه و جایگاه آن در ایالات متحده است (oxford dictionary of politics, (www.oxfordreference.com).

1. John Dewey
2. Knowing and the Known

واسطه را در معنا بخشی به دموکراسی در زندگی سیاسی بازی می‌کنند. از نظر او «وقتی گروه‌ها به درستی شناخته شوند، همه چیز در عالم سیاست درست شناخته می‌شوند». او در ادامه تأکید می‌کند که منظورش از همه چیز، همه چیز است (Bentley, 1908: 208). بنتلی در چند جهت در عرصه علوم سیاسی ایالات متحده شهرت و نفوذ دارد. بسیاری او را به سبب نظریاتش در عرصه معرفت‌شناسی علمی می‌شناسند و او از پایه‌گذاران پوزیتیویسم علمی در عرصه علوم انسانی محسوب می‌شود. از دیگر عرصه‌های شهرت بنتلی، نظراتش درباره تکثرگرایی است که در این خصوص هم به او ارجاع داده می‌شود. اما عرصه دیگری که در آن بنتلی صاحب نظر است، مباحث مربوط به گروه و گروه‌های ذی‌نفوذ است که به صورت مستقیم به موضوع این نوشتار مربوط است و در ادامه به تفصیل درباره آن مباحثی ارائه خواهد شد.

کتاب «روند حکومت»¹

تلاش‌ها برای تدقیق مفاهیم اجتماعی سیاست در آمریکا از همان شروع تاریخ ایالات متحده میان دانشمندان علوم سیاسی و فیلسوفان آغاز گردید و سعی شد جنبش پیشرو اصلاحی طبقه متوسط را به درستی درک و تبیین نماید. دانشمندان علوم سیاسی نیز به نوبه خود بخش مهمی از این جنبش بودند. در این فضای متغیر، یکی از وظایفی که دانشمندان علوم سیاسی در آن شریک بودند، بازسازی، تکامل و تقویت دولت آمریکا در عین رعایت ارزش‌های دموکراتیک بود. نحوه انتخاب نخبگان برای اداره دولت، آموزش فرهنگ سیاسی مدرن به شهروندان و هماهنگ ساختن ساختار حکومت با لیبرال دموکراسی جنبه‌های دیگر این وظیفه را تشکیل می‌داد (Yoho, 1995: 587-605). برای دادن طرح‌ها و پیشنهادها عملی در اصلاح امور دولت و پیشرفت مدل حاکمیت نیاز بود تا فهم دانشمندان علوم سیاسی از جامعه آمریکا و انواع گوناگون نظام‌های حاکمیتی، نقش افکار عمومی و خواست مردم در آنها، تأثیر گروه‌های ذی‌نفوذ در این روندها و مسائلی از این دست، عینی و دقیق باشد. تحلیل‌های دولت و سیاست مبتنی بر تئوری‌های تاریخی و مقایسه‌ای که در سنت علوم سیاسی رواج داشت مانند تفکیک قوا، حاکمیت قانون و... که بیشتر هم مبتنی بر متدولوژی حقوقی و درک قانون محور از سیاست بود، برای چنین امری کافی به نظر نمی‌رسید. به همین جهت علوم سیاسی در آمریکا به سمت مسائل عینی و درک واقعی از روندها و ساختار سیاسی

1. *The Process of Government: A Study of Social Pressures*

جامعه پیش رفت و بیش‌ازپیش با جامعه‌شناسی و روان‌شناسی آمیخته شد. البته این تمایلات جدید در علوم سیاسی تحت تأثیر بحران‌های تاریخی و انتقادات متدولوژیک و همچنین رشد عوامانه فلسفه عمل‌گرا و ایده‌هایش که بیشتر متأثر از متفکران واقع‌گرای سیاسی «مکتب انگلیسی» بود، تعدیل شد.

چنین رهیافتی در تحلیل دولت، حکومت و عوامل سیاسی اجتماعی را می‌توان به روشنی در آثار دانشمندانی مانند «ویلسون»، «چارلز برید»، «لورنس لول» و «فارن گودنو» دید (Hershey, 1993: 151). اما در میان این آثار، کتاب «رونند حکومت» آرتور بنتلی یک نمونه برجسته است که او در آن سعی دارد از تمایلات واقع‌گرایانه در تحلیل سیاست باکار روی روشی تجربی در رهیافت به دولت، سیاست و رفتار سیاسی استفاده نماید. کتاب «رونند حکومت» آرتور بنتلی، در سال ۱۹۰۸ توسط انتشارات «دانشگاه شیکاگو» منتشر شده و مشتمل بر بیست‌وسه فصل و ۵۰۱ صفحه است. در این نوشتار از نسخه دیجیتال شده آن که در سال ۲۰۰۷ توسط «دانشگاه تورنتو» ایجاد شده، به‌عنوان نسخه کتاب استفاده شده است. این نسخه مبتنی بر نسخه اصلی کتاب در زمان انتشارش بوده و حتی از قلم همان زمان نیز استفاده کرده است و با کتاب بنتلی هماهنگی و همخوانی کامل دارد. کتاب او، اثری جلوتر از زمان خود بود و آینده پیشرفت دانش سیاست در ایالات‌متحده را نوید می‌داد. به همین جهت تا بیست سال بعد از نگارش آن، اصلاً مورد توجه قرار نگرفت. او در آن کتاب تئوری جدیدی در خصوص گروه‌های ذی‌نفوذ بنیان گذاشت که تا زمان حاضر نیز اقبال فراوانی به آن می‌شود. این کتاب، از معدود کتب عرصه سیاست است که مطالعه آن فهم کلی نسبت به جامعه و نظام سیاسی و نحوه عمل آن‌ها را تغییر داده و از این منظر نیز قابل توجه است.

پیش‌زمینه نظریه بنتلی و رهیافتش به روند اداره دولت، مفهوم کنش‌های مردم بود. این کنش‌ها بر اساس منافع افراد شکل می‌گرفت و تلاش افراد حول محور حفظ این منافع معنا می‌یافت. مفهوم کنش، نقطه اصلی و نقش‌نشانگر را در تحلیل بنتلی داشت و به او امکان می‌داد کنش متقابل مؤسسات و عوامل اصلی نظام سیاسی حاکم بر ایالات‌متحده را درک کند. از دید بنتلی، گروه مجموعه‌ای از کنش‌افراد متعدد است. افراد جامعه خواسته‌ها و آمال خود را تنها در چارچوب یک گروه می‌توانند پیگیری کنند و به همین جهت برای فهم درست آن‌ها باید روش‌های فهم صحیح رفتار گروه را آموخت. منفعت یک گروه فقط به اعلامیه‌ها، سخنان روسا و برنامه‌های اعلامی‌اش مرتبط نیست، بلکه مسئله اصلی فعالیت‌های

عملی است که اعضای گروه انجام می‌دهند. این سخنان از نظر بنتلی، لفاظی‌هایی هستند که فایده‌ای در توجه به آن‌ها نیست و آنچه موضوعیت دارد، نحوه عمل و رفتار گروه است (Bentley, 1908: 215-219). البته آنچه بنتلی لفاظی‌های سیاسی می‌نامد بی‌اهمیت هم نیستند و در حقیقت نشان‌دهنده جهتی هستند که گروه‌های مختلف در جامعه پیگیر آن می‌باشند. این اعلامیه‌ها و سخنان جهت حرکت اقدامات عملی اعضای گروه‌ها را نشان می‌دهند و در حقیقت به‌اندازه اقدامات عملی در تحلیل‌های سیاسی مهم هستند؛ اما بنتلی به جهت علائق تجربی‌اش، به‌اندازه کافی به آن‌ها اهمیت نداده است (Shakhnazarov, 1985: 91). کتاب *روند حکومت* را می‌توان به این صورت خلاصه کرد: همه سیاست‌ها و همه دولت‌ها حاصل فعالیت گروه‌ها هستند. هر نوع تلاش دیگر برای تحلیل سیاست به گمراهی منتهی خواهد شد. بنتلی این تحلیل را کاملاً در تضاد با نظریه‌های زمانش نگاشت.

در آن زمان که عصر غلبه افکار ایدئالیستی بود، بیشتر متفکران به دولت خوب و امکان اصلاح اوضاع و رسیدن به وضع آرمانی اعتقاد داشتند و گروه‌های ذی‌نفوذ و منافع را خطری برای این هدف می‌دانستند. این افراد به دودسته طرفداران حکومت نخبه‌گرایانه یا دموکراسی مستقیم تقسیم می‌شدند؛ ولی بنتلی با هر دو متفاوت بود. بنتلی از محدود روشنفکران آن زمان دانشگاه شیکاگو بود که اعتقاد داشت باید دقت کرد و دانست ماشین سیاست چگونه کار می‌کند و برای عملکردش چه احتیاجات واقعی دارد نه اینکه چگونه باید کار کند. این نظرات او در سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی بهتر درک شد. تعریف او از سیاست به‌عنوان یک روند بدون انتها از ائتلاف‌های متغیر میان گروه‌های ذی‌نفوذ، در جهان بعد از هیتلر و استالین معنی بیشتری یافت. صاحبان ایده خیر جمعی و نخبه‌گرایی افراطی چیزی جز جنگ و کشتار برای بشر به ارمغان نیاورده بودند و همین امر ارزش ایده بنتلی را بیشتر نشان می‌داد. او اواخر عمرش بیشتر شناخته شد و کتاب *روند حکومت* او همراه با کتاب «دوتوکویل» و مقالات فدرالیست به‌عنوان کتاب درسی توسط دانشجویان علوم سیاسی آمریکا خوانده می‌شد.

همچنین، بنتلی با مشاهده روند اداره جامعه و حکومت در آمریکا به‌صورت دعوایی میان گروه‌های مختلف ذی‌نفوذ و دادن نقش میانجی و حکم به دولت در این دعوای گروهی، تصویری واقعی‌تر از آنچه تئوری تقسیم قوا بر اساس رهیافت حقوق محور از جامعه آمریکا ارائه می‌کرد، ترسیم نمود و علوم سیاسی آن روز ایالات متحده را به جلو برد. بنتلی با زیر

سؤال بردن مفهوم فردگرایی مکتب روانشناسی آمریکایی «البین اسمال»^۱ و «نظریه احساسی»^۲ «هربرت اسپنسر»^۳، مخالف علت دانستن تفکر و ایده به‌عنوان علت اصلی، و عمل گروه به‌عنوان متغیر مستقل در روند عملکرد دولت بود. او همچنین مخالف استفاده از عناصر ایدئولوژیک در تحلیل رفتار دولت بود (Walker, 1983: 397). عناصری در روش‌شناسی بنتلی آن را واقعی‌تر از رهیافت‌های نهاد محور و روان‌شناسانه به دولت و سیاست آمریکا می‌سازند. تأکید او بر عوامل اقتصادی-اجتماعی به‌عنوان منابع زندگی سیاسی و نگاهش به ایدئولوژی از نقطه‌نظر نیازها و اهداف گروه و روش تحلیلش بر اساس دخالت اجتماعی گروه در امور سیاسی اجتماعی دولت، باعث شده تا تمایل به واقع‌بینی زندگی سیاسی و اجتماعی ایالات متحده آمریکا در کارهای بنتلی به‌خوبی مشخص باشد (Grant, 1999: 27).

او در ساختاربندهی تئوریش، مفاهیم بنیادین مانند اداره دولت، حکومت، گروه‌های نفوذ و منافع را کنار نمی‌گذارد. این مفاهیم اساس تئوری او را تشکیل می‌دهند. وقتی او می‌گوید منافع یک گروه از محیط اجتماعی او شکل می‌گیرد، اشاره نمی‌کند که کدام عناصر محیط اجتماعی بیشترین تأثیر را بر منافع گروه می‌گذارند. درحالی‌که بنتلی اهمیت اقتصاد در سیاست را قبول می‌کند؛ اما نقش تعیین‌کننده اقتصاد به‌عنوان زیربنای روابط سیاسی-اجتماعی را رد می‌کند. او می‌گوید: «پایه اقتصادی زندگی سیاسی باید موردپذیرش قرار گیرد اما لزوماً بدین صورت نیست که سیاست و قوه اجرایی از مسائل اقتصادی، محدودیت‌ها و الزامات آن در رفتار و کنشش پیروی کند و آن را عامل مرجح بدانند» (Bentley, 1908: 209). این مهم‌ترین تفاوت نظر او با مارکسیسم لنینیسم است. تئوری گروه‌های ذی‌نفوذ بنتلی بر فهم منشأ و نقش گروه‌های اجتماعی در اداره دولت مبتنی است. او به هر جامعه به‌عنوان جمعی از گروه‌های متعدد متفاوت نگاه می‌کند که حرکت آن‌ها و جمع‌گیری تمایلاتشان باعث جهت‌دهی به دولت می‌شود. نگاه بنتلی به سیاست به‌منزله یک‌روند از رقابت گروه‌های متعدد با منافع خاص سیاسی، نظریه او را تا حدودی نسبی‌گرا می‌کند. اما او فکر می‌کرد نگاهش به سیاست به‌مثابه روندی از گروه‌هایی که از هم جدایند و بر اساس منافع باهم پیوند می‌خورند و بعد از اتمام کار، دوباره از هم جدا می‌شوند، شناخت صحیحی از سیاست در زندگی عمومی ایالات متحده است (Ransom, 2001).

1. Albion Small
2. Sentiments Theory
3. Herbert Spencer

اصلی‌ترین نکته کتاب «رونند حکومت»، رد همه انواع تحلیل‌های مخالفش درباره چگونگی عملکرد سیاست است. اگر جامعه امروز ایالات متحده بر اساس تحلیل بنتلی ارزیابی شود، آنگاه هر کنش سیاسی (یا در کلام بنتلی هر سخنی که از حنجره خارج می‌شود یا قلمی که روی کاغذ حرکت می‌کند) را باید از نظر گروه‌ها تحلیل کرد. بر اساس نظریه بنتلی، نمی‌توان از افکار عمومی سخن گفت، زیرا نه چیزی به‌عنوان عمومی وجود دارد و نه افکار و عقاید مهم است؛ آن چیزی که اهمیت دارد کنش‌هاست. اصطلاحاتی مانند «مردم» یا «خواست عمومی^۱» نیز از واقعیت دورند. «منافع عمومی^۲» نیز اصطلاحی بی‌فایده است. به نظر بنتلی «حتی از لحاظ نظری نیز نمی‌توان چیزی را یافت که برای همه مردم خوب باشد» (Bentley, 1908: 370-371). از نظر بنتلی نمی‌توان از روح جمعی در جامعه سخن گفت و جامعه را یک مجموعه باهم در نظر گرفت. شما نمی‌توانید از نژاد یا دیگر عوامل بیولوژیک در عرصه سیاسی سخن بگویید. این مهم نیست که افراد چه مشخصاتی دارند، مهم این است که آن‌ها چه می‌کنند. بنتلی گروه‌های ذی‌نفوذ را به دودسته کلی تقسیم می‌کند: گروه‌های سازمان‌یافته (مانند «انجمن بازنشستگان آمریکایی»^۳، یا «انجمن ملی رسانه‌ها»^۴) و «گروه‌های بحث و گفتگو»^۵. گروه‌های بحث و گفتگو شامل همه کسانی است که مدعی نمایندگی منافع عمومی یا خیر جمعی هستند، مانند روزنامه‌نگاران، اصلاح‌طلبان، فعالان اجتماعی، مدافعان حقوق بشر و تحلیل‌گران سیاسی. از نظر بنتلی این گروه‌ها اهمیت بسیار کمی داشته و نیازی نیست در تحلیل‌ها مورد توجه قرار گیرند. از نظر او، بیشتر فعالیت این عده روی کاغذ و بازی با کلمات است و در فضای حقیقی نقشی ندارند. از سوی دیگر هر کسی که وارد عرصه عمومی می‌شود، ادعا می‌کند که به دنبال منافع جمعی است! و سود شخصی زیادی در این کار ندارد و نباید این ادعاها را جدی گرفت!

جایگاه گروه‌های نفوذ در امریکا

گروه‌های نفوذ در ایالات متحده امریکا بخشی از مکانیسم‌های عملکرد نظام سیاسی این کشور محسوب می‌شود و درک نظام سیاسی امریکا مستلزم رجوع به قانون اساسی و شناخت مکانیسم‌های کارکرد نظام سیاسی و نهادهای مؤثر در آن است. بر همین مبنا مطابق با تعیین

1. Popular Will
 2. The Public Interest
 3. the American Association of Retired Persons
 4. the National Association of Broadcasters
 5. Discussion Group

حدود اختیارات نهادهای مؤثر در تصمیم‌گیری‌های سیاسی در قانون اساسی، از عملکرد نهادهای غیررسمی مانند گروه‌های نفوذ نیز حمایت قانونی می‌نماید. بنابراین در فرایند سیاست‌گذاری امریکا نهادهایی اعم از رسمی و غیررسمی وجود دارند که با عوامل خارجی و داخلی در تعامل بوده و همواره متغیر هستند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های قانون اساسی ایالات متحده امریکا مکانیسم تفکیک قوا و سیستم فدرال است که این امر منجر به افزایش نقش گروه‌های نفوذ در تصمیم‌گیرندگان سیاسی این کشور گردید. بدین معنا که گروه‌های نفوذ نقش فعالی در سیاست‌گذاری امریکا ایفا می‌کنند و در طول فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی به منظور تحقق منافع و اهداف خود از ابزارهای متعددی به صورت مستقیم و غیرمستقیم استفاده می‌نمایند. لازم به ذکر است که این ابزارها و روش‌هایی که گروه‌های نفوذ برای فعالیت‌های خود به کار می‌گیرند، به عوامل متعددی مانند نوع نظام سیاسی کشور معین، سطح تمرکززدایی قدرت سیاسی، منابع در اختیار گروه‌ها، تعداد اعضا و تعهد، نظم و سازمان‌دهی خود گروه‌های نفوذ بستگی دارد. در یک سیستم دموکراتیک، گروه‌های نفوذ به دنبال تأثیرگذاری بر فرآیندهای سیاست‌گذاری از طریق تأثیرگذاری بر مقامات منتخب و افکار عمومی در سطوح مختلف حکومت هستند. این امر از طریق یکی یا همه راه‌های ذیل انجام می‌شود: میزان دسترسی به مقامات دولتی منتخب، نامزدهایی که با آرمان آن‌ها [گروه‌های نفوذ] هم‌دل هستند و یا کمپین‌های رسانه‌ای و گاهی نیز برای افرادی که قانون‌گذاران خاص یا گروه‌هایی از آن‌ها را می‌شناسند، ترتیبی فراهم می‌کنند تا نظرات خود را در موضوعات معین مطرح کنند (Igbokwe-Ibeto, 2020: 280). افزون بر این، گروه‌های نفوذ به‌عنوان عاملی مهم در فرآیندهای سیاست‌گذاری و اجرا بر موضوعاتی مانند هویت ملی، مشروعیت، نفوذ و مشارکت تأثیر می‌گذارند. به همین ترتیب، آن‌ها می‌توانند به سیاست‌گذاری کمک کنند (Igbokwe-Ibeto, 2020: 282). نگرش بنتلی پیرامون اهمیت گروه‌های نفوذ در ایالات متحده نیز در همین راستا شکل گرفته است. گروه و مفاهیم مرتبط با آن، محور اصلی تحلیل بنتلی از جامعه و نظام سیاسی و نحوه شکل‌گیری کنش‌ها و نهادها در آن‌هاست و او سعی نموده در تحلیل این مسئله، به صورت جامع به ابعاد مختلف آن توجه کافی را مبذول دارد. به همین جهت است که مسائل و موارد مختلفی را در این خصوص بررسی کرده و سعی نموده سؤالات مختلفی را که درباره دلایل ایجاد گروه‌های ذی‌نفوذ، نقش آن‌ها و تأثیراتشان در جامعه سیاسی وجود دارد، پاسخ دهد. از نظر بنتلی، باید

توجه داشت که افراد جامعه برای نیل به اهدافشان به صورت فردی عمل نمی‌کنند؛ بلکه از گروه‌هایی کمک می‌گیرند که متشکل از افرادی است که با آن‌ها منافع مشترک دارند. وجه مشخص این گروه‌ها، فعالیتی است که پیگیری می‌کنند. بنابراین از دید بنتلی، گروه مجموعه‌ای از کنش افراد متعدد است. افراد جامعه، اهداف، آرزوها، امیال و ایدئولوژی‌های خود را تنها در چارچوب یک گروه می‌توانند پیگیری کنند و به همین جهت برای فهم درست آن‌ها باید روش‌های فهم صحیح رفتار گروه را آموخت (Bentley, 1908: 212-213). هرگاه فردی در مناسبات اجتماعی به سمتی تمایل پیدا کند و بخواهد هدفی را پیگیری کند به گروهی که در این راستاست ملحق خواهد شد. از آنجا که بنتلی به گروه بدون منافع اعتقادی نداشت، بنابراین گروه، منافع و کنش در ادبیات او مترادف به شمار می‌روند (Shakhnazarov, 1985: 92). در این میان به نظر بنتلی، کنش گروهی در روابط میان گروه‌ها، روندی دائماً متغیر و دینامیک است که در آن نیروهای اجتماعی برای فشار آوردن به دولت برای اجرای خواسته‌هایشان تلاش می‌کنند. در جریان این روند، گروه‌های قدرتمندتر مسلط شده و گروه‌های ضعیف‌تر مجبور به پیروی از آن‌ها می‌شوند و دولت هم سعی می‌کند خود را با شرایط وفق داده و به نقطه تعادلی در میان گروه‌های رقیب تبدیل شود. هر اتفاقی برای دولت و گروه‌ها، باعث فشار متقابل بر دولت و گروه‌ها شده و نحوه شکل‌بندی آن‌ها را تغییر می‌دهد و باعث به وجود آمدن سازمان یا ارگان جدیدی در دولت می‌شود که در رسیدن به نقطه تعادل کمک کند (Bentley, 1908: 258-259). از این رو، بر اساس این نظریه، تحلیل نحوه اداره دولت باید بر مشاهده تجربی نتایج کنش متقابل گروه‌ها و ارزیابی مناسب شرایط اجتماعی بنا شود. بنابراین با جدا کردن کنش‌های گروه‌ها و مشخص کردن عناصر مهم آن‌ها و تعریف کل روند اداره دولت بر اساس آن‌ها، می‌توان به درکی صحیح از نحوه عمل دولت نزدیک شد (Odegard, 1967).

بنتلی معتقد است دانشمندان سیاسی در وهله اول باید به مشاهده تجربی مؤسسات و ارتباط رسمی میان آن‌ها و روندهای تصمیم‌ساز و اجباری بپردازند. البته با توجه به ثابت نبودن مؤسسات و نهادهای دولتی در نظر او، باید بر روندهایی که باعث تغییر شیوه موجود می‌شوند، نیز تأکید کرد (Taylor, 1957: 7). البته او اشاره کرده که منازعات میان گروه‌ها، اغلب نه در سطح رسمی و علنی، بلکه به صورت غیر مشهود و در رقابت‌ها و هماهنگی‌های میان گروه‌های بزرگ و زیرگروه‌ها حل و فصل می‌شود. در این روند شکل‌دهنده و

تغییردهنده دولت ایالات متحده، بنتلی معتقد است که گروه‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند و از هم جدا می‌شوند و با توجه به شرایط داخلی و نیروهای مؤثر، اعضای هر کدام نیز درک می‌کنند که چگونه باید رفتار خود را متناسب با شرایط تغییر دهند. در بعضی موارد، تضادها و منازعات به صورت مسالمت‌آمیز حل شده و به تشکیل نهاد جدید دولتی منجر می‌شود. در دیگر موارد، نهادهای دولتی موجود آن قدر قدرت دارند که مسئله را کنترل کرده و نوعی تعادل شکننده برای حفظ وضع موجود ایجاد نمایند. در این صورت است که وضعیت تا زمانی که شرایط تغییر کند، ثابت می‌ماند (Taylor, 1957: 117). ثبات حکومت و هیئت حاکمه که پیش‌زمینه‌ای برای ثبات کل دولت است، نیازمند یافتن راهی مناسب برای حل منازعات درون‌گروهی و عمل کردن به‌عنوان میانجی میان گروه‌های مختلف ذی‌نفوذ است. روند اداره دولت به‌مثابه نقطه تعادل میان دعوای مختلف گروهی با تکامل دموکراسی اکثریت‌مدار و ارجحیت آن، وضعیت خاصی به خود گرفته که بنتلی آن را نوعی «رفتار متعارف گروهی»^۱ می‌نامد. نظریه بنتلی به‌خوبی نشانگر روند سیاسی و اجتماعی واقعی است که در زمان انحصار قدرت توسط دولت و تغییر شکل دولت و گونه‌های متفاوت دکتورین تقسیم قوا رخ می‌دهد. او این تفاوت‌های جامعه آمریکا را در گوناگونی گروه‌های غیردولتی و فشاری که آن‌ها به ساختار رسمی برای دستیابی به خواسته‌هایشان می‌آورند، دسته‌بندی کرده و بیان می‌کند که خواست افراد برای دستیابی به منافعشان سبب می‌شود آن‌ها در گروه‌های مختلف اجتماعی گردآمده و هم‌زمان چندین گروه مختلف ذی‌نفوذ برای اثرگذاری یا اجبار یک بخش سیاسی از دولت برای پیروی از خواستشان تلاش کنند و حاصل این تلاش نقطه تعادلی است که جامعه را به‌پیش می‌برد (Bentley, 1908: 260).

ساختار سیاسی دولت آمریکا و گروه‌های نفوذ

گروه‌های نفوذ به‌عنوان حلقه انتقال بین منافع و تصمیم‌گیرندگان عمل می‌کنند. مطالعات فرایند سیاست نشان می‌دهد که گروه‌های ذینفع اغلب نقش محوری در تنظیم دستور کار دولت، گزینه‌ها، تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها و هدایت دستگاه اجرایی دارند. «برستاین» و «لینتون» (۲۰۰۲) در فرا تحلیل خود از مطالعات نفوذ، نشان می‌دهند که گروه‌های نفوذ اغلب تأثیر چشمگیری بر نتایج سیاست دارند (Grossmann, 2012: 173). در همین راستا، هم

ساختارهای رسمی و هم ساختارهای غیررسمی سیاست امریکا، زمینه مناسبی را برای گروه‌های نفوذ فراهم می‌کند. یکی از ویژگی‌های سیستم آمریکایی که نفوذ آن‌ها را افزایش می‌دهد، ضعف نسبی احزاب سیاسی ایالات متحده است که تا حدی از تفکیک قوا بین قوه مجریه نشئت می‌گیرد. ویژگی دوم این سیستم که گروه‌های ذینفع را تشویق می‌کند، تمرکززدایی قدرت سیاسی به ایالات و شهرداری‌ها است که به سیستم فدرال یا «فدرالیسم» معروف است. انجمن‌های شهروندی اغلب در سطوح ایالاتی و محلی شروع به کار می‌کنند و بعداً در سازمان‌های ملی ترکیب می‌شوند. بنابراین تمرکززدایی منجر به تنوع بیشتر و تشویق گروه‌های ذینفع می‌شود (Delibashzade Et al, 2015: 8-9). بنابراین علاوه بر تأثیرگذاری بر نتایج سیاست‌ها از طریق لابی کردن مستقیم، تحقیقات نشان می‌دهد که گروه‌های ذینفع به روش‌های مختلفی بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی تأثیر می‌گذارند. گروه‌های ذینفع غالباً به تائید نامزدها، سیاست‌ها یا ابتکارات خاص، به‌طور مستقیم واکنش نشان می‌دهند (Rothschild, 2020: 2). به عبارت دیگر، گروه‌های ذینفع ضمن تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی، بر شکل‌گیری آرا و رفتارهای سیاسی احزاب و رهبران سیاسی تأثیر می‌گذارند و نسبت به آن‌ها نیز واکنش نشان می‌دهند. به‌عنوان نمونه در جدول زیر، می‌توان به ۵۰ گروه نفوذ برتر در ایالات متحده اشاره نمود که در انتخابات اعضای کنگره ۱۱۶ این کشور نقش مهمی ایفا کردند. شایان ذکر است که در این جدول نقش مالی ۵۰ گروه نفوذ برتر ترسیم شده است.

جدول (۱): ۵۰ گروه نفوذ برتر در ایالات متحده در انتخابات اعضای کنگره ۱۱۶ (سال ۲۰۲۲)

رتبه	گروه نفوذ	مجموع	Dem Pct	GOP Pct	دریافت‌کننده برتر
۱	بازگشتگان	\$۲۲۳,۱۸۹,۳۷۵	۵۲٪	۴۸٪	Raphael Warnock (D-GA)
۲	اوراق بهادار/سرمایه‌گذاری	\$۸۴,۶۰۹,۴۵۴	۶۰٪	۴۰٪	Charles E Schumer (D-NY)
۳	وکلا و شرکت‌های حقوقی	\$۶۴,۵۲۶,۴۹۰	۷۹٪	۲۱٪	Raphael Warnock (D-GA)
۴	مشاور املاک	\$۶۱,۴۰۸,۷۴۵	۵۴٪	۴۶٪	Charles E Schumer (D-NY)
۵	متخصصان سلامت	\$۴۵,۶۳۱,۶۴۶	۶۱٪	۳۹٪	Raphael Warnock (D-GA)
۶	رهبری PACs	\$۴۲,۳۶۵,۳۷۶	۴۴٪	۵۶٪	Raphael Warnock (D-GA)

رتبه	گروه نفوذ	مجموع	Dem Pct	GOP Pct	دریافت‌کننده برتر
۷	دموکرات/لیبرال	\$۴۱,۹۳۰,۴۷۶	۹۸٪	۲٪	Raphael Warnock (D-GA)
۸	جمهوری‌خواه/ محافظه‌کار	\$۳۹,۳۱۸,۲۸۲	۰٪	۱۰۰٪	Steve Scalise (R-La)
۹	بیمه	\$۳۰,۹۵۰,۴۸۶	۴۸٪	۵۲٪	Tim Scott (R-SC)
۱۰	آموزش	\$۲۸,۵۱۸,۲۲۸	۸۸٪	۱۰٪	Raphael Warnock (D-GA)
۱۱	لابی‌ها	\$۲۶,۶۹۱,۲۶۷	۵۵٪	۴۵٪	Charles E Schumer (D-NY)
۱۲	طرفدار اسرائیل	\$۲۴,۸۲۱,۴۵۲	۶۵٪	۳۵٪	Shontel Brown (D-Ohio)
۱۳	Pharm/Health Prod	\$۱۹,۷۰۱,۶۰۸	۵۷٪	۴۲٪	Cathy McMorris Rodgers (R-Wash)
۱۴	نفت و گاز	\$۱۹,۵۹۴,۶۹۸	۲۲٪	۷۸٪	Joe Manchin (D-WV)
۱۵	خدمات تجاری	\$۱۸,۳۴۲,۵۴۴	۷۳٪	۲۷٪	Raphael Warnock (D-GA)
۱۶	تجهیزات الکترونیک	\$۱۵,۹۳۹,۵۹۴	۷۰٪	۲۹٪	Raphael Warnock (D-GA)
۱۷	محصولات کشاورزی	\$۱۵,۸۳۹,۳۴۰	۶۸٪	۳۲٪	John Boozman (R-Ark)
۱۸	تلویزیون/فیلم/موسیقی	\$۱۴,۹۱۰,۵۳۰	۸۱٪	۱۹٪	Raphael Warnock (D-GA)
۱۹	غیرانتفاعی	\$۱۴,۸۲۷,۲۱۱	۷۲٪	۲۸٪	Raphael Warnock (D-GA)
۲۰	مسائل زنان	\$۱۴,۶۳۴,۰۶۵	۹۴٪	۶٪	Raphael Warnock (D-GA)
۲۱	بانک‌های تجاری	\$۱۴,۱۷۷,۶۹۴	۴۲٪	۵۸٪	Patrick McHenry (R-NC)
۲۲	متفرقه تولیدی/توزیعی	\$۱۳,۸۵۰,۰۱۰	۴۴٪	۵۶٪	Charles E Schumer (D-NY)
۲۳	متفرقه امور مالی	\$۱۳,۲۶۰,۸۰۳	۶۲٪	۳۸٪	Charles E Schumer (D-NY)
۲۴	خدمات بهداشتی	\$۱۳,۱۳۶,۸۰۳	۵۸٪	۴۲٪	Charles E Schumer (D-NY)
۲۵	خودرو	\$۱۲,۱۸۳,۹۵۶	۶۸٪	۳۲٪	Marco Rubio (R-Fla)
۲۶	حمل و نقل هوایی	\$۱۲,۱۳۶,۶۵۸	۴۷٪	۵۳٪	Charles E Schumer (D-NY)
۲۷	شرکت برق	\$۱۱,۹۸۸,۱۴۵	۵۰٪	۵۰٪	Charles E Schumer (D-NY)
۲۸	اتحادیه بخش عمومی	\$۱۱,۸۳۰,۵۶۰	۸۷٪	۱۲٪	Tim Ryan (D-Ohio)
۲۹	نسخه متفرقه	\$۱۱,۷۷۱,۳۸۴	۳۸٪	۶۲٪	Raphael Warnock (D-GA)
۳۰	کارمند دولتی	\$۱۱,۵۴۶,۶۸۷	۷۹٪	۲۰٪	Raphael Warnock (D-GA)
۳۱	بیمارستان‌ها/خانه‌های پرستاری	\$۱۱,۴۹۹,۰۹۰	۶۰٪	۳۹٪	Charles E Schumer (D-NY)
۳۲	خرده‌فروشی	\$۱۰,۱۷۹,۹۸۸	۵۳٪	۴۷٪	Raphael Warnock (D-GA)
۳۳	تل کام	\$۹,۷۶۰,۱۴۶	۴۷٪	۵۳٪	Charles E Schumer (D-NY)
۳۴	اتحادیه حمل و نقل	\$۹,۶۶۱,۶۷۱	۷۲٪	۲۸٪	Brian Fitzpatrick (R-Pa)

رتبه	گروه نفوذ	مجموع	Dem Pct	GOP Pct	دریافت کننده برتر
۳۵	پیمانکار عمومی	\$۹,۶۱۴,۷۹۲	۷۱٪	۲۹٪	Charles E Schumer (D-NY)
۳۶	اتحادیه کارگران ساختمان	\$۹,۱۲۴,۵۶۵	۸۵٪	۱۵٪	Don Norcross (D-NJ)
۳۷	حقوق بشر	\$۹,۰۰۹,۱۸۰	۸۶٪	۱۴٪	Raphael Warnock (D-GA)
۳۸	حسابدار	\$۸,۸۴۳,۷۳۶	۵۳٪	۴۷٪	Charles E Schumer (D-NY)
۳۹	آبجو/مشروب	\$۸,۵۱۱,۰۸۹	۵۳٪	۴۷٪	Mike Thompson (D-Calif)
۴۰	اینترنت	\$۸,۳۸۰,۱۰۵	۷۸٪	۲۱٪	Raphael Warnock (D-GA)
۴۱	نامزد Cmtes	\$۸,۱۶۱,۲۷۵	۵۸٪	۴۲٪	Susan Wild (D-Pa)
۴۲	کازینو/قمار	\$۷,۷۷۰,۸۱۶	۵۹٪	۴۱٪	Sharice Davids (D-Kan)
۴۳	انتشارات	\$۷,۶۲۷,۶۲۷	۸۵٪	۱۴٪	Raphael Warnock (D-GA)
۴۴	دفاع متفرقه	\$۷,۵۱۹,۳۸۰	۴۷٪	۵۳٪	Mike D Rogers (R-Ala)
۴۵	عمران و ساخت و ساز	\$۷,۴۵۱,۵۱۱	۵۷٪	۴۳٪	Raphael Warnock (D-GA)
۴۶	غذا و نوشیدنی	\$۷,۱۳۶,۴۲۸	۴۲٪	۵۷٪	Raphael Warnock (D-GA)
۴۷	کشاورزی	\$۷,۰۶۸,۵۸۱	۶۷٪	۳۳٪	Glenn Thompson (R-Pa)
۴۸	مصالح ساختمانی	\$۶,۹۵۲,۳۸۲	۷۷٪	۲۳٪	Tim Scott (R-SC)
۴۹	امور مالی/اعتباری	\$۵,۵۲۶,۴۴۵	۵۰٪	۵۰٪	Charles E Schumer (D-NY)
۵۰	اتحادیه صنعتی	\$۵,۳۹۵,۸۲۷	۹۶٪	۴٪	Tim Ryan (D-Ohio)

Resource: <https://www.opensecrets.org/industries/mems.php>, (Based on data released by the FEC on Friday, October 28, 2022.)

به طور کلی، بنتلی با تعریف مؤسسات دولتی به عنوان پاسخی به نیاز گروه‌های اجتماعی، دیگر ضرورتی برای تقسیم‌بندی ثابت آن‌ها نمی‌دید، زیرا این مؤسسات، خود محصول لایه عمیق تری در اجتماع هستند. بنابراین، قانون اساسی، ریاست جمهوری، کنگره، دیوان عالی و قوانین فقط نماینده رسمی گروه‌های ذی نفوذ هستند که منافع و فعالیت‌های گروه‌های اجتماعی را که در طول زمان به حالت پایداری رسیده‌اند، نشان می‌دهند. اگرچه بنتلی ثبات نسبی شکل قانونی دولت را می‌پذیرد؛ اما هم‌زمان خاطر نشان می‌سازد که امکان تغییر این سازمان‌ها وجود دارد، زیرا روند رقابت و عکس‌العمل میان گروه‌ها سیال و متغیر است (Salisbury, 1969: 3). این تغییر ممکن است در سطوح متفاوتی اتفاق بیافتد و این امر به ساختار واقعی گروه‌های ذی نفوذ و رفتار آن‌ها بستگی دارد. بنابراین تغییر قوانین پایه از نظر

او یک‌باره اتفاق نمی‌افتد و مبتنی بر این نیاز اجتماعی است. با همین تفسیر می‌توان به متمم‌های قانون اساسی و تغییر قوانین عادی نگریست.

تفاوت نظام‌های سیاسی نیز از نظر بنتلی بیانگر تفاوت کنش‌های گروهی و روش‌های فعالیت آن‌هاست. برای نمونه، تفاوت میان استبداد و دموکراسی بیانگر معانی متفاوت نمایندگی منافع در آن جوامع است. البته این تبیین به نظر بسیار ساده‌انگارانه می‌رسد. نظام سیاسی هر کشور فقط بیانگر نوع نمایندگی منافع گروه‌ها نیست؛ بلکه از عوامل متعددی متأثر است که برای نمونه می‌توان به وضعیت طبقات اجتماعی، خواسته‌های رهبران و ذهنیت آن‌ها، سطح ترقی مردم جامعه، میزان نفوذ اندیشه‌های آزادگرایانه و سطح سواد و روابط با دول همسایه و دنیای خارج اشاره کرد (Odegard, 1967). از نظر بنتلی، می‌توان ریاست جمهوری، احزاب و دیگر بازیگران اصلی سیاست را بررسی کرد؛ ولی باید دانست که همه این عوامل تنها واسطه‌ای بین گروه‌ها و جامعه هستند. او این مسئله را با مثالی درباره «تئودور روزولت» که در زمان نگارش کتاب *روند حکومت*، رئیس‌جمهوری آمریکا بوده، این‌گونه بیان می‌کند: «این که وقتی نام روزولت را می‌شنویم یاد خون‌ریزی و جنگ بیافیم، نوعی اشتباه است. واقعیت این است که تنها تعداد معدودی از شهروندان ایالات متحده خواستار هدایت سیاست بدین صورت هستند» (Bentley, 1908: 322). صحبت از اخلاق به‌عنوان یک نیروی فعال در سیاست هم کاری درست نیست، زیرا تعریف اخلاقی از یک کنش در حقیقت پوششی برای منافع یک بازیگر است. شما نمی‌توانید از پیشرفت و دستیابی به اهداف و ایده آل‌ها سخن بگویید زیرا این مسئله در حقیقت جابجایی قدرت و تغییر آن میان گروه‌های مختلف ذی‌نفوذ است. این مسئله به خوبی در این جملات هویدا است:

«به سخنان سخنرانان مراسم چهارم جولای توجه کنید. آن‌ها چه می‌گویند؟ سخن آن‌ها درباره تلاش بنیان‌گذاران ایالات متحده برای دستیابی به آزادی است و اینکه این مهم‌ترین آرزوی آنان بوده است؛ اینکه آن‌ها برای دستیابی به این آرزو تلاش زیادی انجام داده‌اند و بدون از خودگذشتگی امکان دستیابی به زندگی آزاد را نداشتند. اما آیا این سخنان تغییری در کنش سیاسی افراد حاضر در جلسه ایجاد می‌کند؟ آن‌ها همچنان مانند قبل به دنبال معاملات سیاسی و راه‌های کلاسیک دستیابی به آن هستند. بنابراین

سخنان مختلف تغییری در اصول اساسی حاکم بر سیاست ایجاد نمی‌کند و سرپوشی برای ایجاد جلوه زیبا برای روند کنش‌های جاری است» (Bentley, 1908: 110).

بنتلی همه عوامل قابل توجه سیاسی را در چارچوب گروه‌ها می‌بیند و تفسیر می‌کند. از نظر او ایالات و شهرستان‌ها «گروه‌های محلی»، نظام قانونی مجموعه‌ای از «گروه‌های قانون»، مجموعه‌های درآمدی «گروه‌های ثروت» و طرفداران منفرد سیاستمداران «گروه‌های شخصیت» هستند و در قلب این سیستم، گروه‌های ذی‌نفوذ قرار دارند و این وضعیت در نظام‌های دموکراتیک یا دیکتاتوری‌ها تفاوتی ندارد. به همین جهت است که او معتقد است با تشریح دقیق وضعیت گروه‌ها، همه نقشه سیاست را می‌توان به‌درستی درک کرد.

گروه‌های نفوذ و سیاست خارجی امریکا

ساختار سیاست خارجی ایالات متحده ساختاری است که گروه‌های نفوذ را قادر به اثرگذاری می‌سازد بر روند تصمیم‌گیری در آن تأثیرگذار باشند. آنچه مسلم است این است که نظام تصمیم‌گیری امریکا، نظامی پیچیده است و این پیچیدگی به عوامل تغییر و تداوم که از ویژگی ساختار امریکاست، قدرت بیشتری می‌دهد. احتمال آن کم است که چنین نظام پایداری، بانفوذ تنها یک شخص با عنصر، یعنی رئیس‌جمهوری، دستخوش تغییر شود. بنابراین برای کسب توانایی نفوذ و تأثیر بر نظام تصمیم‌گیری و رسیدن به تصمیمات موردنظر لازم است یک گروه نفوذ یا لابی در نهادها و روندهای متعدد وارد عمل شود و تا حد ممکن از عناصر آن بهره‌گیرد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۳).

همان‌طور که گفته شد، تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری در سیاست خارجی امریکا دارای پیچیدگی‌هایی است. جدا از رئیس‌جمهوری و کنگره به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان رسمی، شبکه سازمان‌یافته‌ای از اتاق‌های فکر، گروه‌های نفوذ، ساختارهای بوروکراتیک و سازمان‌های اجرایی در ایالات متحده وجود دارد که هر یک تلاش می‌کنند تا زمینه‌های لازم برای شکل دادن به معادله قدرت را فراهم سازند. نهادهای غیررسمی که اغلب با عنوان «گروه‌های نفوذ» شناخته می‌شوند بر روند تصمیم‌گیری اثرگذارند. پس از جنگ سرد و با تضعیف بیشتر دولت نسبت به جامعه بر اهمیت نقش گروه‌های نفوذ افزوده شده است. گروه‌های نفوذ منابع تحقیق را فراهم می‌کنند، به افکار شکل می‌دهند و سیاست‌های خود را جلو می‌برند و گاهی مواقع سیاست ملی را قالب‌ریزی کرده و منافع

خود را جایگزین منافع ملی می‌کنند (لب‌خنده، کریمی فرد، ۱۳۹۵: ۶۳). بایستی اظهار داشت که یکی از مواردی که سازمان سیاست خارجی ایالات متحده را شکل می‌دهد، پذیرش نقش لابی‌های فکری، قومی و مذهبی و نیز گروه‌های بانفوذ موسوم به «گروه‌های فشار» است. از این جهت می‌توان گفت ساختار قدرت در ایالات متحده از دو عامل تأثیر می‌پذیرد: نخست، نشانه‌هایی از تفکیک قدرت که در آن بخش‌های مختلف یکدیگر را واری می‌کنند و دوم، نظام سیای موکل مردم و اجتماعات است. فرآیند سیاست‌گذاری خارجی در امریکا نیز به گونه‌ای است که از کنش و واکنش نهادهای مختلف امنیتی حاصل می‌شود. در نتیجه لابی‌ها می‌کوشند به این نهادها نزدیک شده و با مقامات مسئول آن‌ها ارتباط شخصی برقرار نموده و یا به شیوه‌ای دیگر بر ذهن و تصمیمات آن‌ها تأثیر بگذارند (مددی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۶).

نتیجه نظریه بنتلی در عرصه سیاست خارجی واقعاً تکان‌دهنده است. با این همه، تمام این مسائل به رفتار سیاسی منوط است. مردم در سیاست دخالت می‌کنند تا به آنچه می‌خواهند دست یابند و این خواسته می‌تواند اقتصادی یا هر خواسته دیگری نیز باشد. افراد تنها زمانی از لحاظ سیاسی اهمیت می‌یابند که عضوی از یک گروه باشند و گروه‌ها نیز زمانی مهم می‌شوند که فعالیت انجام دهند. اما زندگی سیاسی بسیار پیچیده است: هیچ فردی نیست که تنها عضو یک گروه ذی‌نفوذ باشد و هیچ گروه نفوذی نیست که جدا از دیگر گروه‌ها به فعالیت پردازد. اتحاد میان گروه‌ها نیز بسیار شکننده و ناپایدار است. هیچ بخشی از حکومت در عرصه واقعی سیاست مصون از فشار گروه‌های مختلف نیست و این امر شامل دستگاه قضایی و دادگاه‌ها نیز می‌شود. بنابراین تصورات لیبرالی که به دنبال ایجاد بخش‌هایی برای پیگیری منافع عمومی و به‌دوراز فشار گروه‌های بزرگ و قدرتمند هستند، از نظر بنتلی محکوم به شکست است. نتیجه این امر از نظر بنتلی عبارت است از: «رفتار اطلاعاتی، رفتار احساسی، رفتار ارتباطاتی، تمرین رفتار، رفتار برنامه‌ریزی شده، همکاری، مشاجره، ائتلاف، رقابت و هزاران مورد مانند این که زندگی اطراف ما را مشحون ساخته و در مردم عادی اطراف ما نیز مشاهده می‌شود» (Bentley, 1908: 198). با دقت در رفتار سیاستمداران ساکن واشنگتن می‌توان دریافت که آنچه این افراد می‌گویند با آنچه واقعاً در عالم سیاست اتفاق می‌افتد متفاوت بوده و به نظرات بنتلی نزدیک‌تر است. آنچه را در عمل اتفاق می‌افتد، نمی‌توان در

سخنان این افراد یافت و باید آن را با منطق تکثرگرایی درک کرد. بر همین اساس است که گروه‌های مختلف در مسائل گوناگون باهم رقابت می‌کنند و در نهایت معامله‌ای صورت می‌گیرد و از طریق سیاستمداران یا نهادها یا حتی دادگاه‌ها، سیاست موردنظر گروه قدرتمندتر به اجرا درمی‌آید. به همین دلیل است که نامزدهای ریاست جمهوری و حتی خود روسای جمهوری از سویی سعی دارند تا ارتباطشان را با لابی‌گران کم‌رنگ نشان دهند و از سوی دیگر در موضوعات مهم اصلاح موضع از سوی آن‌ها زیاد دیده می‌شود. نمونه اخیر و مشهور این مسئله، اصلاح موضع اوپاما، رئیس‌جمهوری ایالات متحده در خصوص طرح تشکیل دولت فلسطین در مرزهای سال ۱۹۶۷ است. او این نظر را به‌صراحت در سخنرانی خود مطرح کرد و تنها چند روز بعد در جلسه «ایپک» اظهار داشت که چنین نظری را قبول ندارد (IPAC official site, 2012). وقتی سیاستمداری می‌گوید در صورت دستیابی به پست بالا، روابط نادرست در واشنگتن را اصلاح کرده و شیوه‌های گذشته را تغییر خواهد داد، بر اساس کتاب بنتلی این حرف بدین معناست که او به دنبال تعادل جدیدی در میان گروه‌های ذی‌نفوذ است و بعضی از این گروه‌ها را در موقعیت بهتری از لحاظ قدرت قرار خواهد داد و سطح قدرت دیگران کاهش خواهد یافت. البته این نظر به دنبال القای عدم تأثیر نقش افراد در سیاست نیست و وجود تکثر و امکان تأثیر در سیاست را نفی نمی‌کند. کتاب «روند حکومت» یکی از معدود کتبی است که شیوه نگاه به دنیای سیاست را تغییر داده و اهمیت فراوانی در فهم سیاست ایالات متحده آمریکا دارد. این کتاب نظری را ارائه می‌کند که همواره در پس ذهن انسان باقی‌مانده و همه آنچه از سیاست انتظار می‌رود و در مورد آن بیان می‌شود مانند سیاست خوب و سیاستمدار خوب را زیر سؤال می‌برد. در کتاب روند حکومت، در صفحه قبل از فهرست مطالب، صفحه‌ای است که روی آن نگاشته شده، «این کتاب تلاشی است برای معرفی و برجسته‌سازی یک ابزار»^۱ (Bentley, 1908). یک قرن بعد، ابزاری که بنتلی سعی در معرفی و توجه دادن به آن داشت، همچنان کارایی خود را حفظ کرده و نه تنها برای فهم نظام سیاسی آمریکا کاربرد دارد که در زمینه‌های دیگر نیز مفید است. برای نمونه می‌توان بین کسانی که در سال ۲۰۰۳ معتقد بودند حمله به عراق جنگی بین دموکراسی و دیکتاتوری است با کسانی که آن را درگیری و رقابت میان گروه‌ها تفسیر می‌کردند، مقایسه انجام داد و همچنان از نظر بنتلی استفاده نمود.

اگرچه از زمان ارائه نظر بنتلی زمان زیادی می‌گذرد، اما همچنان جهتی که او در معرفی گروه‌های ذی‌نفوذ در کتاب «روند حکومت» استفاده کرده بر تصور عمومی که آن‌ها را دشمنانی شرم‌آور برای منافع عمومی می‌دانند، ارجحیت دارد.

وقتی اعتبار اثر بنتلی در اوج قرار داشت، علتش فقط معرفی ابزاری مفید توسط او نبود، بلکه دلیلش علاقه مردم به تکثر و جذابیت تکثرگرایی بود. اکنون نیز برای ایجاد آن شرایط در زمان حاضر باید در شیوه نگرش تغییر ایجاد کرد. تکثرگرایی در گفتمان بنتلی نیازمند پذیرش نگاه‌های متنوع درباره مسائلی است که از دیدگاه بسیاری مطلق محسوب می‌شوند. به همین جهت است که هر شخص باید بداند که می‌تواند با نظرات به‌ظاهر صادقانه درباره نحوه تأمین منافع ملی و خیر جمعی مخالفت کند و این امر در جامعه سیاسی پذیرفته شده باشد. برای نمونه می‌توان به سخنرانی سالیانه جورج بوش پسر در سال ۲۰۰۲ در کنگره توجه کرد که در آنجا با ظاهری حق‌به‌جانب منافع عمومی مردم آمریکا را در جنگ علیه تروریسم در نقاط مختلف جهان و بی‌توجهی دولت به تأمین اجتماعی مردم آمریکا معرفی نمود. تکثرگرایی در دید بنتلی بدین معناست که افراد این فرض نادرست را کنار بگذارند که منافع، لابی‌گری و تخریب رقبا فقط برای آن‌ها کار صحیحی است و دیگران نباید به آن نزدیک شوند. در نگاه تکثرگرا، باید ارزش اخلاقی مباحث جهانی شدن را کاهش داد و به جزئی‌نگری و توجه به قسمت‌های مختلف ارزش گذارد. البته تکثرگرایی هم عناصری از عدالت را همراه خود دارد. در هر نظام سیاسی که به مردم خود حق رأی و سازمان‌دهی آزادانه را بدهد، منطق تکثرگرایی است که توضیح می‌دهد چرا کسانی که با جدیت وارد عرصه سیاست می‌شوند و شبانه‌روز در این حوزه تلاش می‌کنند، بیشتر از کسانی که فقط به نوشتن مقالات و صرف پول در تبلیغات رسانه‌ای می‌پردازند، تأثیر سیاسی دارند. البته همه این اقدامات از نظر بنتلی، جزء فعالیت‌های گروه‌های ذی‌نفوذ قرار می‌گیرد؛ ولی تفاوت ضعیف‌تر بودن سخن گفتن از قوی‌تر بودن سازمان‌دهی سیاسی را نباید نادیده گرفت. در فرهنگ سیاسی آمریکا، سازمان‌دهی سیاسی به معنای ساماندهی کسانی است که خارج از حوزه معمول سیاست هستند مانند مهاجران، کشاورزان و آمریکائیان آفریقایی‌تبار و یا نمونه‌های جدید آن مانند فعالان شبکه بنیان در سمت چپ طیف سیاسی یا مسیحیان انجیلی در سمت راست این طیف. این افراد به دنبال مقابله با نخبگانی هستند که بیشتر به فعالیت‌های گفتاری

بامعنایی که برای آن بیان شد، اشتغال دارند و قصد دارند تا در بعضی موضوعات خاص که مورد توجه‌شان است، آن‌ها را کنار زده و به منافع خود برسند.

گروه‌های نفوذ و منتقدان آرتور بنتلی

نظرات بنتلی در ابتدا مورد توجه قرار نگرفت. اهمیت کتاب «رونند حکومت» او و مسائل مطرح در آن تا بیست سال بعد از انتشارش، درک نشد و به طبع، همین مسئله مورد بحث قرار نگرفت. اما از زمان مطرح شدن و مورد توجه قرار گرفتن کتاب بنتلی و مباحث او، انتقادات متعددی متوجه او شده که در درستی بعضی از آن‌ها شکی نیست و باید لحاظ شوند. این انتقادات طیف وسیعی را شامل شده و از زیر سؤال بردن اساس تحلیل بنتلی و مبنای نظری او گرفته تا شک در بعضی نظراتش و جنبه‌های عمل گروه را شامل می‌شود. در ادامه سعی خواهد شد تا از میان انتقادات مطرح شده به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شود. این انتقادات را با بحث درباره مبنای نظری بنتلی شروع می‌کنیم. البته مبنای نظری او همواره محلی برای چالش است. اینکه او به ایده‌ها و افکار بهای کافی نمی‌داد و در تئوری‌اش جایی برای اخلاق نبود، مورد انتقاد جدی واقع شد. مبنای نظری او، که در حوزه نظریه‌های روابط بین‌الملل «واقع‌گرایی» خوانده می‌شود، سؤالات زیادی ایجاد می‌کند. مهم‌ترین سؤال این است که اگر سیاست همان‌گونه است که بنتلی می‌گوید، چرا گروه‌های ذی‌نفوذ قدرتمندتر کل سیاست را در اختیار نمی‌گیرند و در حقیقت مالکیت آن را برای خود نمی‌خرند. اواخر دهه شصت میلادی که بازار نظریه‌های سنتی علوم سیاسی دوباره رونق گرفت و متدهای آن‌ها مورد توجه واقع شد، کم‌کم کتاب «رونند حکومت» هم رونق خود را از دست داد.

رهیافت بنتلی برای زمان خودش، رهیافتی کاملاً عمل‌گرایانه و تجربی به حساب می‌آمد ولی اکنون آن اعتبار را ندارد؛ زیرا بسیاری از گروه‌های بالقوه حالت واقعی به خود نمی‌گیرند و به دلایل متعدد گروه‌های منافع مورد نظر شکل نمی‌گیرند. به همین سبب است که قضاوت بنتلی در خصوص گروه‌های ذی‌نفوذ در بعضی موارد، هنجاری و به‌دوراز عینیت است. این ایراد از سوی واقع‌گرایان به بنتلی وارد شده و بعضی بخش‌های کار او را خارج از عینی‌گرایی ادعایی او دانسته‌اند. یکی دیگر از انتقادات جدی وارد به او (و البته دیگر طرفداران مطالعات تجربی صرف)، جدی نگرفتن مسائل ذهنی و زبانی است. این انتقاد معرفت‌شناسانه به اساس کارهای بنتلی وارد است و چون در مباحث معرفت‌شناسی به‌اندازه کافی در مورد آن سخن گفته شده، در اینجا از بیان آن‌ها خودداری می‌شود. از انتقادات دیگر وارد بر بنتلی این است

که او در شناخت و تحلیل گروه‌ها، فقط به مطالعه و بررسی رفتار و نحوه عمل آن‌ها پرداخته و اعتنایی به سخنان، اعلامیه‌ها و دیگر موارد ندارد. این امر حتی در تقسیم گروه‌ها نیز خود را نشان داده و البته ریشه در مبنای نظری بنتلی دارد. اما به هر صورت در درک درست ماهیت گروه‌ها مشکلات و نارسایی‌هایی را ایجاد می‌کند. واقعیت این است که آن چیزی که بنتلی آن‌ها را الفاظی‌های سیاسی می‌نامد بی‌اهمیت هم نیستند و در حقیقت نشان‌دهنده جهتی هستند که گروه‌های مختلف در جامعه پیگیر آن هستند. این اعلامیه‌ها و سخنان، جهت حرکت اقدامات عملی اعضای گروه‌ها را نشان می‌دهند و در حقیقت به اندازه اقدامات عملی در تحلیل‌های سیاسی مهم هستند، اما بنتلی به جهت علایق تجربی‌اش، به اندازه کافی به آن‌ها اهمیت نداده است. یک مسئله دیگر در مورد بنتلی، جهت اهمیت کار او و همچنین دید او درباره گروه است. در میان دانشمندان علوم سیاسی، برخی معتقدند بنتلی نقشی در تئوری گروه‌های مدرن ندارد و نقش او بیشتر در روش‌شناسی علوم سیاسی و توسعه علوم سیاسی است. از دید آن‌ها، بنتلی تعریفی از گروه ارائه می‌دهد که با معانی متعارف و نوین گروه همخوان نیست و بسیار گسترده‌تر از آن است. از دید این افراد، مهم‌ترین قسمت اثر بنتلی تأکید آن بر روند در امور سیاسی است. تحلیل مسائل سیاسی به صورت روند سبب شده تا دید تازه‌ای در این بخش کهن دانش بشری پدید آید. به هر صورت این هم نوعی بازخوانی جدید از آثار اوست.^۱

نکته دیگر در مورد مفاهیم مورد نظر بنتلی است. آنچه او مناسب می‌دید اکنون تغییر زیادی کرده است. کلمه «منافع»^۲ تنها در حوزه سیاست خارجی به معنای مثبت به کار برده می‌شود و مراد از آن ضروری‌ترین منافع ملی است، اما در حوزه سیاست داخلی به معنای عملکرد نامطلوب سیاسی برای گروه‌های فشار است و لابیست‌ها را به منزله افراد مخل سیاست خوب می‌شناسند. اکنون این ذهنیت در ایالات متحده در حال گسترش است که «انجمن شکر»، «انجمن اسلحه» و «اپیک»، جز سازمان‌هایی هستند که سیاست را به راه نادرست می‌کشاند؛ در حالی که بنتلی آن‌ها را شکل‌دهنده سیاست می‌دانست. نماد عینی این ذهنیت نیز تلاش کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا به ابراز مخالفت با معامله گران سیاسی و تمایل به حفظ منافع عمومی است که در دوره اخیر به میزان بیشتری قابل مشاهده است.

۱. برای نمونه ر. ک. به:

Grant Jordan, The relevance of Bentley for group theory: founding father or mistaken identity? (<http://hhs.sagepub.com/content/12/1/27.abstract>)

2. Interest

بروز دیگر این مسئله در شعارهای جنبش‌های اعتراضی به وضعیت اقتصادی در ایالات متحده است. این افراد که بیشتر به دنبال اصلاح وضعیت اقتصادی خود هستند، یکی از دلایل ضعف در اصلاح امور را نداشتن لابی در واشنگتن دانسته و در حقیقت عملکرد لابی‌ها را سبب تضییع حقوقشان می‌دانند. جالب اینجاست که بعضی نویسندگان پیش‌بینی می‌کنند که لابی‌های محافظه‌کار مبتنی بر منافع اقتصادی در نهایت دولت واشنگتن را به زمین خواهند زد و باعث ایجاد مخالفت با کلیت نظام سیاسی خواهند شد (Frank, 2008: 273). اما خود این گروه معارض نیز برای دستیابی به اهدافشان و منشأ تأثیر بودن در نظام سیاسی ایالات متحده باید به عضوی از ارتش لابی‌ها در واشنگتن تبدیل شوند. البته این وسوسه که زمانی چنین کارهایی منجر به ایجاد دولت مطلوب خواهد شد، محل بحث است و با دیدگاه بنتلی همخوانی ندارد، اما این مسئله مسلم است که برای شکست یک گروه ذی‌نفوذ باید گروه ذی‌نفوذ قوی‌تری تشکیل داد. در انتها نظرات بنتلی در خصوص گروه را این‌گونه می‌توان به صورت خلاصه توضیح داد: بنتلی معتقد است که جامعه و نظام سیاسی را باید بر اساس گروه‌های ذی‌نفوذ مهم‌ترین واحد در تحلیل امور و روند سیاسی هستند. افراد برای اثرگذاری بر امور سیاسی باید در چارچوب یک گروه قرار گیرند و عنصر متحد کننده افراد در گروه‌ها نیز منافع آنهاست. با بررسی نقش و نحوه عمل گروه‌هاست که می‌توان چگونگی ساخت سیاست و روند شکل‌گیری و تغییر آن را به درستی درک نمود. بنتلی دیگر مسائل سیاسی مربوط را نیز بر همین اساس به صورت کامل توضیح داده و سعی می‌نماید نشان دهد که چگونه همه امور سیاسی از گروه‌های ذی‌نفوذ سرچشمه می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

از آنچه در این نوشتار بیان گردید، می‌توان نتیجه گرفت که تحلیل ساخت سیاسی دولت ایالات متحده مبتنی بر اصولی است که این اصول عبارت‌اند از: نخست اینکه، ساخت سیاسی و مسائل مرتبط با آن را باید به صورت پویا و بر اساس یک‌روند مشاهده کرد و درک ایستا و لایتغیر از وضعیت سیاسی، خطا بوده و محقق را به نتایج نادرست می‌رساند. دوم اینکه، جامعه ایالات متحده را باید در چارچوب تکثرگرایی بررسی کرد و با توجه به ساخت متکثر قدرت در این جامعه درباره نقش هر عاملی در شکل‌دهی به سیاست‌ها، قضاوت کرد. این ساخت متکثر است که امکان فعالیت به گروه‌های مختلف را برای پیگیری اهداف و منافعشان می‌دهد؛ و بالاخره سوم اینکه، برای داشتن درک صحیح از فرآیند سیاسی در آمریکا باید

دانست که تحلیل این فرآیند مبتنی بر درک کارکرد و اهمیت گروه‌های ذی‌نفوذ است. بر اساس اصول فوق می‌توان چرایی اهمیت گروه‌های ذی‌نفوذ در سیاست ایالات متحده را به صورت ذیل بیان نمود: جامعه و نظام سیاسی را باید بر اساس گروه تحلیل کرد. گروه‌های ذی‌نفوذ مهم‌ترین واحد در تحلیل امور و روند سیاسی هستند. افراد برای اثرگذاری بر امور سیاسی باید در چارچوب یک گروه قرار گیرند و عنصر متحد‌کننده افراد در گروه‌ها نیز منافع آن‌هاست. با بررسی نقش و نحوه عمل گروه‌هاست که می‌توان چگونگی ساخت سیاست و روند شکل‌گیری و تغییر آن را به درستی درک نمود. کنش گروهی در روابط میان گروه‌ها، روندی دائماً متغیر و دینامیک است که در آن نیروهای اجتماعی برای فشار آوردن به دولت برای اجرای خواسته‌هایشان تلاش می‌کنند. در جریان این روند، گروه‌های قدرتمندتر مسلط شده و گروه‌های ضعیف‌تر مجبور به پیروی از آن‌ها می‌شوند و دولت هم سعی می‌کند خود را با شرایط وفق داده و به نقطه تعادلی در میان گروه‌های رقیب تبدیل شود. هر اتفاقی برای دولت و گروه‌ها، باعث فشار متقابل بر دولت و گروه‌ها شده و نحوه شکل‌بندی آن‌ها را تغییر می‌دهد و باعث به وجود آمدن سازمان یا ارگان جدیدی در دولت می‌شود که در رسیدن به نقطه تعادل کمک کند. هر جامعه جمعی از گروه‌های متعدد با منافع متفاوت و گاه متضاد است که حرکت آن‌ها و جمع‌گیری تمایلاتشان باعث جهت‌دهی به دولت می‌شود. هیچ بخشی از حکومت در عرصه واقعی سیاست مصون از فشار گروه‌های مختلف نیست و این امر شامل دستگاه قضایی و دادگاه‌ها نیز می‌شود. به همین دلیل است که با داشتن درک صحیح از چگونگی عملکرد گروه‌های ذی‌نفوذ می‌توان به درستی نحوه اداره جامعه و ساخت سیاست در ایالات متحده را درک کرد و این امر شامل سیاست خارجی نیز می‌گردد.

منابع

الف) فارسی

- بشیریه، حسین (۱۳۸۰) *درس‌هایی از دموکراسی برای همه*، تهران: نگاه معاصر.
- کوهکن، علیرضا (۱۳۸۹) «لابی ژاپن در ایالات متحده آمریکا»، *فصلنامه مطالعات آمریکا*، شماره اول، زمستان.
- لب خنده ابراهیم، کریمی فرد حسین (۱۳۹۵)، «کارکرد مؤسسات مطالعاتی در سیاست خارجی ایران در قبال ایران»، *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۶ (۱)، بهار ۱۳۹۵
- مددی علیرضا و همکاران (۱۴۰۰)، «لابی‌های اعراب حاشیه خلیج فارس در آمریکا برای مقابله با ایران»، *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۴ (۵۴)، تابستان ۱۴۰۰
- موسوی سید محمدعلی و همکاران (۱۳۹۰)، «مدل‌سازی در روند تصمیم‌گیری ایالات متحده آمریکا»، *روابط خارجی*، ۳ (۲)، تابستان ۱۳۹۰

ب) انگلیسی

- (n,n) (2012) President Obama' Speech, IPAC official site, from: www.ipac.com, Retrieved (1400/10/12).
- Anzia Sarah F. (2019), Looking for Influence in All the Wrong Places: How Studying Subnational Policy Can Revive Research on Interest Groups, *the Journal of Politics*, 81 (1), January 2019
- Bashirieh, Hossein (2010), *Lessons from democracy for all*, Tehran: Negahe Moaser [in Persian].
- Bentley, Arthur (1908) *The Process of Government: A Study of Social Pressures*, Chicago: University of Chicago press.
- Delibashzade Et al (2015), The Role of Interest Groups: Best Practices, Case Studies, and Lessons Learned, Democracy for Development (D4D)
- Frank, Tomas (2008) *The Wrecking Crew: How Conservatives Rule*, New York: Henry Holt and company.
- Grant, Jordan (1999) "The relevance of Bentley for group theory: founding father or mistaken identity?" *History of Human Science*, Vol.12, No.1.
- Grossmann Matt (2012), Interest group influence on US policy change: An assessment based on policy history, *Interest Groups & Advocacy*, 1 (2)
- Hershey, Marjorie Randon (1993) "Citizens' Groups and Political Parties in the United States." *Annals of the American Academy of Political and Social Science*, Vol. 528, Citizens, Protest, and Democracy, July.
- Igbokwe-Ibeto C. J (2020), ANALYSING THE INTERFACE BETWEEN BUREAUCRACY, INTEREST GROUPS, AND PUBLIC POLICYMAKING FOR GOOD GOVERNANCE IN AFRICA, *INTERNATIONAL JOURNAL OF BUSINESS AND MANAGEMENT STUDIES*, 12 (2).
- Koohkan, Alireza (2009), Japanese Lobby in the United States of America, *American Studies Quarterly*, No. 1, winter [in Persian].

- Lab Khande Ebrahim, Karimi Fard Hossein (2015), the Function of study institutes in America's Foreign Policy Towards Iran, *Islamic World Political Research*, 6 (1), Spring 2015 [in Persian]
- Madadi Alireza et al. (2022), Persian Gulf Arab lobbies in America to confront Iran, *International Relations Studies*, 14 (54), Summer 2022 [in Persian]
- Mousavi Seyed Mohammad Ali et al. (2013), Modeling in the decision-making process of the United States of America, *Foreign Relations*, 3 (2), summer 2013 [in Persian]
- Odegard, Peter H., ed (1967) *Introduction of Bentley's The Process of Government*, Massachusetts: the Belknap Press of Harvard University Press.
- Oxford Reference Online*, <http://www.oxfordreference.com>, Retrieved (1390/4/12).
- Ransom, Roger L. (2001) "Economics of the Civil War". August 25, (www.eh.net/encyclopedia/articles/ransom), Retrieved (1389/11/12).
- Rothschild Jacob E. (2020): Identities, interest group coalitions, and intergroup relations, Politics, Groups, and Identities, DOI: 10.1080/21565503.2020.1756358
- Salisbury, Robert H. (1969) "An Exchange Theory of Interest Groups." *Midwest Journal of Political Science*, Vol.13, No.1, February.
- Shakhnazarov, G.kh. ed (1985), *Contemporary Political Science in USA and Western Europe*, Translated by James Riordan, Melbourne: Progress Publisher.
- Taylor, Richard W. ed., (1957) "Life, Language, Law: Essays in Honor of Arthur F. Bentley, Yellow Spring", Ohio: Antioch Press.
- Truman, David (1958) *The Governmental Process: Political Interests and Public Opinion*, New York: Alfred A. Knopf.
- Tsujinaka Y. (2010), Interest Group, *GOVERNMENT AND POLITICS*, Vol. I, Japan
- Walker, Jack L. (1983) "The Origins and Maintenance of Interest Groups in America", *American Political Science Review*, Vol.77, No.2, June.
- Yoho, James (1995) "Madison on the beneficial effect of interest group: what was left unsaid in federalist 10", *polity*, Vol.27, No.4, and summer.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: کوهکن، علیرضا. (۱۴۰۱). فهم گروه بنیان از دولت در ایالات متحده (با تاکید بر نظریه بنتلی). *دولت‌پژوهی*، ۸ (۳۲)



The State Studies Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.